

اعتصاب غذای زندانیان سیاسی در زندان "گوهر دشت"

زمینه ساز اعتصاب اخیر، افزایش موج شکنجه و تعزیر و حق کشتی های بسیاری است که به اشکال گوناگون در مورد زندانیان سیاسی اعمال می شود. به زندانیان سیاسی چیره، غذائی کمی می دهند که به هیچ وجه کافی نیست و آنان دائما در حال گرسنگی هستند. دسترسی به حمام بسیار مشکل است و به ویژه در برخی بندها رفتن به توالت به آسانی میسر نیست. بیماریهای مختلف زندانیان را تهدید می کند و از نظر بهداشتی و درمانی در بدترین وضع بقیه در ص ۷

زندان "گوهر دشت" شاهد حماسه خونین پایداری نیروهای انقلابی دربند در برابر رژیم است که انسانیت را زیر پا نهاده و آزادی کشتی و اختناق را از حد گذرانده است. چنانکه در شماره پیشین "نامه مردم" به آگاهی رساندیم، زندانیان سیاسی "گوهر دشت" در اعتراض به شرایط غیر انسانی حاکم بر زندان اعتصاب غذا کرده اند. بدینسان سومین اعتصاب زندانیان سیاسی، با شرکت زندانیان سیاسی وابسته به نیروهای سیاسی مترقی به وقوع می پیوندد.



شماره ۱۶۵ دوره هشتم
سال چهارم سه شنبه ۱۳۶۶/۵/۶
بها ۲۰ ریال

مبارزه نیروهای مترقی در راه دستیابی به امنیت و حسن همجواری در آسیا و اقیانوس آرام

هفتم و هشتم و نهم ژوئیه نمایندگان ۲۱ حزب کمونیستی و کارگری از منطقه آسیا و اقیانوس آرام و از جمله نماینده حزب توده ایران، در اولان باتور، وظایف میرم نیروهای مترقی در این منطقه از جهان را در مبارزه برای صلح، امنیت و پیشرفت اجتماعی مورد بررسی قرار دادند. در آخرین نشست این گروه ها، یک اطلاعیه مشترک پیرامون نتایج گفتگوهای سه روزه به تصویب رسید. در اطلاعیه آمده است که تبادل نظرها در مورد مسائل مبارزه برای صلح، امنیت و حسن همجواری در منطقه، در محیطی سرشار از روح دوستی و همبستگی بین المللی انجام شد. شرکت کنندگان در دیدار نگرانی خود را درباره حفظ وخامت اوضاع و بی ثباتی در این پرجمعیت ترین بخش جهان ابراز داشته و خاطر نشان کردند که خلغهای منطقه از تشدید حضور نظامی امریکا و استقرار وسائل هسته ای امریکا، ادامه آزمایشهای هسته ای، از گامهایی که در راه نواژی میلیتاریسم ژاپن برداشته می شود، و از تلاشهایی که برای ایجاد گروه بندی های تازه نظامی - سیاسی صورت می گیرد بحق دچار تشویش عمیقی گردیده اند.

در اطلاعیه همچنین آمده است که امپریالیسم هم مراحل تازه ای از مسابقه تسلیحاتی را بر کشورهای نواستقلال تحمیل می کند و هم آنها را در شبکه خطرناک پدیده های خارجی اسیر می سازد. بقیه در ص ۸

رد قطعنامه شورای امنیت مغایر با مصالح ملی است

با هیئت نمایندگی ج.ا. به سرپرستی محمد جواد لاریجانی، بار دیگر موضع اصولی اتحاد شوروی را اعلام کرد و گفت: "کشور ما خواهان قطع هر چه زودتر خونریزی و نیز خواهان آن است که طرفین راه حل سیاسی را جستجو کنند. هر قدر زودتر نمایندگان دو کشور پشت میز مذاکره بنشینند به همان اندازه هم برای ایران و هم برای عراق و هم برای وضع بین المللی در مجموع بهتر خواهد بود". آندری گرومیکو همچنین خاطرنشان ساخت که رویدادهای خلیج فارس با ادامه جنگ ایران و عراق ارتباط مستقیم دارد.

در این روزها رویدادهای خلیج فارس توجه افکار عمومی و محافل سیاسی را بخود جلب کرده است. تمرکز روز افزون نیروی دریائی ایالات متحده آمریکا در خلیج فارس و دهانه تنگه هرمز و آغاز اجرای تصمیم دولت آمریکا در بر مایشایت تفنکش های کوبیتی که زیر پرچم آمریکا حرکت می کنند توسط ناوگان جنگی ایالات متحده، بحران در خلیج فارس را وارد مرحله نئینی کرده است. ۲ ژوئیه ۱۹۸۷، دولت اتحاد شوروی طی اعلامیه ای پیشنهاد های سازنده ای برای جلوگیری از تشدید وخامت در منطقه خلیج فارس ارائه کرد. دولت شوروی از جمله خواهان بیرون بردن کلیه ناوهای جنگی کشورهای غیر ساحلی، از آبهای خلیج فارس شد. ۱۸ ژوئیه ۱۹۸۷، آندری گرومیکو، صدر هیئت رئیسه شورای عالی اتحاد شوروی، در مذاکره بقیه در ص ۲

بزرگاری کنگره جهانی زنان ونهمین کنگره فدراسیون بین المللی دمکراتیک زنان در مسکو

نقش مؤثر و تعیین کننده زنان در این جنبش، از زنان سراسر جهان و سازمان های آنان خواست تا با همه توان خود در راستای تحقق شعار کنگره: "پیش بسوی سال ۲۰۰۰، بدون جنگ افزارهای هسته ای، برای صلح، برابری و پیشرفت" بکوشند. رفیق گارباچف دبیر کل کمیته مرکزی حزب کمونیست اتحاد شوروی در این نشست بزرگ سخنان مبسوطی ایراد کرد و از جمله گفت: "اینکه زنان مسئله حفظ صلح در روی زمین را وظیفه اصلی خود قرار داده اند شگفت آور نیست. این از طبیعت زنان سرچشمه می گیرد. یک ضرب المثل قدیمی می گوید در جهان سه چیز از ارزش فوق العاده برخوردار است: نخست نان روزانه که به ما توان زندگی و تندرستی می بخشد، دوم خرد و دانش که در بقیه در ص ۸

از روز ۲۲ تا ۲۷ ژوئن کنگره جهانی زنان در روزهای ۲۸ و ۲۹ ژوئن نهمین کنگره فدراسیون بین المللی زنان دمکرات در مسکو برگزار شد. نمایندگان تشکیلات دمکراتیک زنان ایران در هر دوی این اجلاسها شرکت فعال داشتند. در کنگره جهانی زنان در مجموع نمایندگان ۸۰۰ سازمان از ۱۵۴ کشور جهان، ۷۸ سازمان بین المللی و منطقه ای و ۱۵ نهاد سازمان ملل متحد شرکت داشتند. یک هیئت نمایندگی از سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) نیز در کنگره جهانی زنان شرکت کرده بود. فردا براون، رئیس فدراسیون بین المللی دمکراتیک زنان نشست ۵ روزه کنگره جهانی زنان راگشود. او ضمن تاکید بر اهمیت جنبش صلح و

در دستجات بعد
از کارخانه ها، زندگی و رزم کارگران ص ۴
ضرورت پیوند مبارزه دانشجویی با جنبش عمومی ص ۶

پیروز باد مبارزه خلق در راه سرنگونی رژیم جمهوری اسلامی!

رد قطعنامه شورای امنیت

قطعنامه جدید شورای امنیت سازمان ملل متحد که ۱۵ عضو آن و از جمله ۵ دولت عضو دائمی شورای امنیت به آن رأی دادند، با هدف پایان دادن به جنگ و برانگیز ایران و عراق صادر شده است. این قطعنامه خواهان آتش‌بس فوری در زمین، هوا و دریا میان ایران و عراق و عقب‌نشینی دو کشور متخاصم به مرزهای شناخته شده «بین المللی» شده و از دبیر کل سازمان ملل متحد خواسته است تا ناظران این سازمان را برای نظارت بر آتش‌بس به منطقه اعزام دارد. در قطعنامه شورای امنیت حمله به مناطق مسکونی، کشتی‌ها، هواپیماهای غیر نظامی و استفاده از سلاح‌های شیمیایی محکوم و تشکیل کمیته بررسی شروع جنگ نیز پیشنهاد شده است.

ما بر آنیم که قطعنامه شورای امنیت ملل متحد کاملاً مبهم است در جهت برآورده ساختن خواست خلفای میهن ما دایر بر پایان دادن به جنگ هستی‌برانداز ایران و عراق.

در حالی که رژیم عراق موافقت خود را با قطعنامه شورای امنیت اعلام داشته است، رژیم ج.ا. آن را رد کرد. در بیانیه وزارت امور خارجه ج.ا. در این باره گفته می‌شود: «در پایان هفتین سالی که از شروع تجاوز وسیع و همه جانبه عراق به ج.ا. می‌گذرد، شورای امنیت سازمان ملل بار دیگر با تصویب قطعنامه‌ای غیر عادلانه از ایفای مهمترین وظیفه خود در حفظ صلح و امنیت بین المللی عدول کرد». در بیانیه خاطر نشان می‌شود که گویا قطعنامه شورای امنیت «در نامساعدترین وضعیت و تحت فشار انگیزه‌های غیر اصولی و غیر منطقی با روح منشور ملل متحد به تصویب رسیده است».

استدلال وزارت امور خارجه ج.ا. در رد قطعنامه سفسطه‌ای بیش نیست. این قطعنامه کاملاً در روح منشور ملل متحد تنظیم شده و برخلاف ادعای سران ج.ا.، در قطعنامه تشکیل کمیته بررسی «مسئولیت شروع جنگ» نیز پیش بینی شده است.

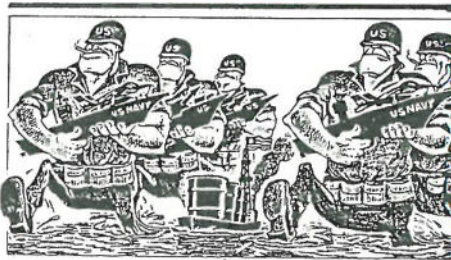
وزارت امور خارجه ج.ا. حضور نظامی نیروی دریایی آمریکا در خلیج فارس را ناقض قطعنامه شورای امنیت می‌داند. اما تنظیم کنندگان بیانیه رسمی وزارت امور خارجه نمی‌گویند چه عواملی باعث تقویت حضور نظامی امپریالیسم آمریکا در خلیج فارس شده است.

همه می‌دانند که امپریالیسم آمریکا آتش‌بیار جنگ ایران و عراق بود و طی هفت سال با توسل به انواع توطئه‌ها کوشید تا کوره جنگ را گرم نگهدارد. ماجرای «ایران گیت» نشان داد که برخی از سران ج.ا. نیز در این زمینه با کاخ سفید همکاری نزدیک داشته‌اند. چه کسانی طی دو سال سرگرم مذاکرات پنهانی با دولت ریگان بودند؟ آیا هدف آمریکا و متحد استراتژیک آن اسرائیل از فروش تجهیزات مدرن آمریکایی به رژیم ج.ا. جز دامن زدن به نائزه جنگ و در نتیجه تحکیم مواضع نظامی

ایالات متحده در منطقه خلیج فارس بود؟

سیاست عمیقاً ضد ملی «جنگ، جنگ تا پیروزی» درست در جهت تحقق استراتژی امپریالیسم آمریکا بوده و هست. خطری که اکنون امنیت منطقه و جهان را تهدید می‌کند محصول این سیاست ضد ملی رژیم «ولایت فقیه» است. سران ج.ا. با رد قطعنامه شورای امنیت سازمان ملل متحد عملاً آب به آسیاب سیاست تجاوزکارانه و اشتگتن در منطقه می‌ریزند.

رژیم ج.ا. با در پیش گرفتن سیاست «صدور انقلاب» به منافع خلفای کشور ما و مصالح ملی ایران خیانت کرده و می‌کند. ۲۰ تیر ماه، خامنه‌ای طی سخنرانی در شهرستان آذربایجان مسئله «صدور انقلاب اسلامی» را تشریح کرد. جندی پیش رضائی فرمانده کل سپاه پاسداران ضمن گفتگو با خبرنگار «کیهان» نحوه «صدور انقلاب اسلامی» به عراق را چنین توصیف کرد: «... در سال جاری گروه‌های زیادی از قوات (نیروها) آزادیبخش



صدور اسکورت سفیر در خلیج فارس

عراق سازماندهی می‌شوند که مجموعه‌ای از ۵ گروه است و «در حقیقت نظام آینده و انقلابی عراق از درون همین گروه‌ها بوجود می‌آید. همانطور که امروز اکثریت مسئولین جمهوری اسلامی از کسانی هستند که در نظام قبل از سقوط شاه شکل گرفته‌اند، مانند اکثر استنادارها، فرماندارها، فرماندهان سپاه و ...».

منظور رضائی از ۵ گروه، بطور عمده مزدورانی هستند که به حساب مالیات دهندگان ایرانی تغذیه می‌شوند. رضائی دیگر کشورهای عربی کرانه خلیج فارس را نیز مستقیم و یا غیر مستقیم تهدید می‌کند و از آنها می‌خواهد تا زیر چتر «اسلام فقهاتی» گرد آیند. فرمانده سپاه پاسداران، خلیج فارس را حیطه نفوذ ج.ا. می‌داند و می‌گوید: «ما به خلیج فارس به صورت یک حادثه کوچک و گذرا نگاه نکرده‌ایم. مایک استراتژی برای خلیج فارس تعیین کرده‌ایم زیرا که خلیج فارس نه الان که برای همیشه بعنوان یک مرکز اصلی و سرنوشت ساز انقلاب محسوب می‌شود و یکی از نقاطی است که بسیار با سرنوشت انقلاب گره خورده است. این استراتژی نظامی در خلیج فارس راهم که اشاره کردم به شورای عالی دفاع ارائه شده است».

رضائی با طرح اینگونه مسائل عملاً به تحقق استراتژی امپریالیسم آمریکا در منطقه خلیج فارس خدمت می‌کند.

سران ج.ا. با رد قطعنامه شورای امنیت

سازمان ملل متحد خیانت بزرگی به مصالح ملی کشور ما مرتکب شده‌اند که نمی‌توان و نباید آن را نادیده گرفت.

حزب توده ایران بنوبه خود حمایت خویش را از قطعنامه شورای امنیت سازمان ملل متحد اعلام می‌دارد. پایان دادن به جنگ و برانگیز ایران و عراق خواست همیشگی حزب توده ایران بوده و هست. حزب ما بلافاصله پس از آزادی خرمشهر و راندن نیروهای نظامی رژیم عراق از خاک میهنمان، با مطرح کردن شعار صلح عادلانه و پایان بخشیدن به جنگ، در عمل به سیاست سران ج.ا. که ادامه جنگ را یکی از اساسی‌ترین عناصر سیاست خود معرفی می‌کردند، رد کرد. در ارتباط با این موضوع اصولی بود که موسوی اردبیلی، در خطبه نماز جمعه تهران گفت: «حزب توده (ایران) ... وقتی مسئله جنگ به مرحله حساس خود رسید، تحلیلی داد و زهر خود را ریخت و با اربابش همصدا شد» (اطلاعات، ۲ مرداد ۶۱).

سران ج.ا. بیهوده کوشیده و می‌کوشند تا سیاست اصولی ما را با زدن برچسب «وابستگی» و غیره زیر علامت سؤال ببرند. ما امروز هم اعلام می‌داریم که با پیشنهاد های اتحاد شوروی مندرج در اعلامیه ۳ ژوئیه ۱۹۸۷ کاملاً موافقیم و از آن پشتیبانی کرده و خواهیم کرد. ما از همه اعضا و هواداران حزب می‌خواهیم که مضمون این اعلامیه را به مقیاس وسیع در میان مردم ایران پخش کنند. زیرا پیشنهاد های اتحاد شوروی با شعار صلح عادلانه مطروحه از جانب حزب ما همسانی کامل دارد و در انطباق با خواست مردم میهن ماست. درست به همین دلیل نیز سران ج.ا. به حزب ما برچسب زده و می‌زنند. وقتی در سال ۶۱ حزب توده ایران شعار صلح عادلانه را مطرح ساخت، رژیم سخت به وحشت افتاد و از ترس آنکه مبادا شعار صلح حزب ما به پرچم مبارزه علیه سیاست «جنگ، جنگ تا پیروزی» تبدیل گردد، بورش فاشیستی به حزب توده ایران را سازمان داد. تصادفی نبود که رفسنجانی پس از بیورش به حزب در نماز جمعه اعتراف کرد: «برنامه‌های حزب توده (ایران) برای جنگ خطرانی در برداشته است» (اردیبهشت ماه ۶۲).

مردم ایران اکنون شاهد حقانیت حزب توده ایران هستند و بخوبی درک کرده‌اند که خطر عمده نه در شعار صلح حزب توده ایران، بلکه در سیاست ضد خلقی رژیم «ولایت فقیه» نهفته بود. صدها هزار جوان ایرانی قربانی شده بخاطر ادامه جنگ پس از سال ۱۳۶۱ و نیز خسارتهای عظیم مادی وارده به اقتصاد ملی کشور محصول خیانت سران جنگ افروز ج.ا. است. علیه این جنگ افروزان باید مبارزه کرد. شرکت هر چه گسترده توده‌های خلق در جنبش ضد جنگ و در راه صلح عادلانه شرط ضروری و ادار کردن سردمداران مرتجع ج.ا. به عقب نشینی است.



مرگ بر امپریالیسم جهانی به سرکردگی امپریالیسم آمریکا

اکو - بازار مشترک اسلامی!؟

جندی پیش صدای جمهوری اسلامی تشکیل و پایان به اصطلاح موفقیت آمیز اجلاس "اکو" را اعلام کرد.

"اکو" چیست؟ "اکو" همان سازمان همکاری اقتصادی میان سه کشور ایران و ترکیه و پاکستان است که در دوران رژیم گذشته در چارچوب پیمان سنتو تشکیل گردید. این سازمان تنها به مسائل اقتصادی نمی پرداخت، بلکه در عین حال همکاریهای سیاسی بین سه کشور را نیز تنظیم می کرد. رژیم ج.ا. در این عرصه نیز راه تداوم سیاست به ارث رسیده از رژیم گذشته را در پیش گرفت، با این تفاوت که با توافق با دو کشور دیگر نام آن را از "آر.سی.دی" به "اکو" تبدیل کرد.

بدیهی است که تغییر نام بهیچ وجه به معنی تغییر در محتوی و سنکیری فعالیت سازمان نیست. همکاری با دو کشور ترکیه و پاکستان که سنکیریهای آنها در سیاست خارجی روشن است، در چارچوب "اکو"، نشانگر همسوئی و همخوانی سران ج.ا. با سیاست آنهاست.

وابستگی نظامی، سیاسی و اقتصادی ترکیه به امپریالیسم جهانی و در درجه اول به امپریالیسم تجاوزکار آمریکا بر کسی پوشیده نیست. ترکیه عضو پیمان "ناتو" است و سیاست خارجی آن بر اساس روابط موجود میان کشورهای عضو این پیمان تجاوزکار تعیین می شود. نظامیگری به معنی افزایش مستمر هزینه های نظامی، دیکته شده از جانب ایالات متحده، آمریکا، مرکز نقل این سیاست را تشکیل می دهد.

بموجب اخبار منتشره در مطبوعات خارجی، دولت ترکیه مبلغی در حدود ۴ میلیارد دلار برای مدرنیزه کردن ارتش نیم میلیون نفری خود "سرمایه گذاری" کرده است. در این کشور بودجه نظامی ۱/۴ کل درآمد دولتی را می بلعد. "واشنگتن" و "بن" بزرگترین فروشندگان سلاحهای مدرن به ترکیه هستند. انحصارهای آمریکائی و آلمان غربی در زمینه ایجاد صنایع نظامی بیشترین سرمایه گذاری را کرده اند.

جندی پیش قرارداد همکاری دفاعی و اقتصادی میان آمریکا و ترکیه تا سال ۱۹۹۰ تمدید شد. هدف این قرارداد حفظ بیش از ۶۰ پایگاه نظامی آمریکا در ترکیه و نیز کوشش برای مدرنیزه کردن ارتش آن کشور از طریق ایجاد صنایع نظامی جدید است.

پوشیده نیست که "واشنگتن" از این پایگاهها هم علیه اتحاد شوروی و هم برای سرکوب نهضت های رهایی بخش ملی در سراسر منطقه استفاده کرده و خواهد کرد.

روابط دو کشور ایران و ترکیه در چارچوب "اکو" بیشتر اهمیت سیاسی دارد تا اقتصادی، بویژه اگر در نظر داشته باشیم که مناسبات اقتصادی میان دو کشور سال به سال رو به تضعیف است. مثلاً، جندی پیش بهزاد نبوی در دیدار از ترکیه به کاهش حجم مبادلات بازرگانی میان دو کشور اشاره کرد.

پس از پایان چهارمین اجلاس "شورای عالی

"اکو"، در ملاقاتی که قائم مقام وزارت خارجه پاکستان با خامنه ای داشت، رئیس جمهوری رژیم از جمله گفت که گویا همکاریهای میان سه کشور می تواند زمینه ساز "ایده" بزرگ و باشکوهی "تحت عنوان" بازار مشترک "باشد. تشکیل "بازار مشترک اسلامی" تصور باطلی بیش نیست. اکثر کشورهای اسلامی وابسته به بازار جهان سرمایه داری و تابع

بازمی آید بهاران

از دل پر خون عاشق
می تراود این ترانه
یادت ای زیبا بهاران
جاودانه، جاودانه

می نشیند همچو شبنم
روی گلبرگ شقایق
بر لب بهاران سرود و نغمه های عاشقانه
کامدی با سر بلندی
از ره ای سیر مرغ عشق
از شب و دهلیز خونین
از فراز دام و دانه

از توروش بود جنگل
اهر بشکوه بهاران
دشتهای لاله از بهاران تو می زد جوانه

چشمه از گام تو می جوشید ای رود خروشان
می گشود آغوش دریا
از کرانه تا کرانه

مرغ آتش بودی و بر موج موج خون نشستی
شعله های زده ز خشم
از دل دریا زبانه

ای فروغ جاودانه
آشبان کردی به دلها
آتشی بودی که بر دریا گرفتگی آشیانه

تا کبوترها ز شوکت
روی لبها خانه کردند
تیر تهمت بود از هر سوبه لبها مان نشانه

ای گل امید خرم باش در صحرای دلها
باز می آید بهاران
شادمانه،
شادمانه

دل نشین تر شد ز گلپانگ چکاوک این چکامه
یادت ای زیبا بهاران
جاودانه،
جاودانه.

(تهران ۶۲/۹/۲۰)

تقسیم کار بین المللی حاکم در این بازار هستند.

طبق آمار منتشره در مجله انگلیسی "میدل ایست" (۲ مه ۱۹۸۷) با وجود اینکه حجم مبادلات میان ج.ا. و ترکیه در سال ۱۹۸۶ حدود ۲ میلیارد دلار پیش بینی شده بود، عملاً از ۷۸۶ میلیون دلار تجاوز نکرد. صادرات نفت ایران به ترکیه از ۱۱۹۰ میلیون دلار در سال ۱۹۸۵ به ۲۱۵ میلیون دلار در سال بعد کاهش یافت. موازنه پرداختها در زمینه مبادلات بازرگانی همیشه بسود ترکیه و به ضرر ایران بوده است. خواست سران ج.ا. دایره خرید سالانه ۵۰۰ میلیون دلار کالاها را غیر نفتی از جانب ترکیه، با مخالفت دولت آن کشور روبرو گشت.

چنین است روابط دو کشور "اسلامی" ایران و ترکیه.

اما، وضع در پاکستان چگونه است؟ پاکستان کشوری است که از لحاظ اقتصادی و نظامی به امپریالیسم آمریکا وابسته است. رژیم نظامی ضیا الحق مجری استراتژی "واشنگتن" در منطقه بشمار می رود. حجم "کمک" نظامی - اقتصادی آمریکا به پاکستان در فاصله سالهای ۱۹۸۱ تا ۱۹۸۶ به ۲/۲ میلیارد دلار بالغ گردید و در فاصله سالهای ۱۹۸۷ تا ۱۹۹۲ به ۴/۰۲ میلیارد دلار خواهد رسید. طی ده سال اخیر، هزینه نظامی پاکستان چهار برابر افزایش یافته و هم اکنون ۴۰ درصد درآمد بودجه صرف ارتش می شود که مأمور اجرای نقشه های توطئه آمیز و واشنگتن در منطقه است. فقط در سالهای اخیر ایالات متحده آمریکا بیش از ۲۰۰ تانک، ۴۰ هواپیمای شکاری "اف-۱۶" و صدها موشک ضد هوایی و غیره در اختیار پاکستان گذارده است. پاکستان یکی از بزرگترین وارد کنندگان کالاها ساخته شده از آمریکا و ژاپن و انگلستان و... است.

رژیم پاکستان دست نشانده امپریالیسم آمریکا و یکی از پایگاههای عمده سیاسی و نظامی - استراتژیک ایالات متحده در آسیا است. محافل دمکراتیک در پاکستان این کشور را "اسرائیل آسیای جنوبی" ایالات متحده می نامند که وظیفه حفظ منافع و مواضع امپریالیسم آمریکا را بعهده دارد.

وضع اقتصادی در دو کشور ترکیه و پاکستان، متحدان رژیم، همانند جمهوری اسلامی رو به وخامت است. بیکاری و فقر در این کشورها پدید می کند. وام خارجی ترکیه به رقم نجومی ۲۰ میلیارد دلار سر می زند. در پاکستان نیز وضع بهتر از ترکیه نیست. تعداد بیکاران این کشور به چند میلیون نفر بالغ می شود. سالانه ۲ میلیون پاکستانی در جستجوی کار کشور را ترک می کنند. وجود بیش از ۲ میلیون مهاجر افغانی وضع در پاکستان را وخیم تر می سازد. کسری بودجه پاکستان در دو سال اخیر به ۲/۲ میلیارد دلار رسید.

رکود اقتصادی، ورشکست مالی، گسترش فقر و بیکاری از ویژگیهای هر سه کشور عضو "اکو" است. فساد و رشوه خواری، زیر پا گذاشتن ابتدائی ترین موازین حقوق بشر در هر سه کشور ترکیه و پاکستان و جمهوری اسلامی رواج دارد. هر سه کشور از جنگ اعلام نشده توسط امپریالیسم آمریکا علیه جمهوری دمکراتیک افغانستان حمایت می کنند. جمهوری بقیه در ص ۵



از کارخانه‌ها، زندگی و رزم کارگران

کارگران ایران بپولین حق خود را گرفتند

اعتراض و مبارزه* متشکل و هماهنگ کارگران "ایران بپولین" واقع در هشت کیلومتری رشت، مدیریت این واحد را به عقب نشاند. مدیریت پذیرفت که حق افزایش تولید کارگران به‌طور ماهانه پرداخت شود.

درگیری بین کارگران و مدیریت "ایران بپولین" - تولیدکننده* انواع پارچه - از سال ۶۴ آغاز شده است. در این سال کارگران توانستند تولید راه به حداکثر ظرفیت برسانند و مدیریت را ناچار سازند که به پرداخت حق افزایش تولید تن در دهد. اما در سال ۶۵ که مسئله* اعزام ثوبتی کارگران به جبهه مطرح شد و کارگران با مقاومت در برابر این تصمیم از رفتن به جبهه سر باز زدند، مدیریت در صدد انتقامجویی برآمد و پرداخت حق افزایش تولید را قطع کرد. بهانه* مدیریت این بود که وزارت کار پرداخت حق افزایش تولید را به رسمیت نمی‌شناسد. در این رابطه، پاسخ کارگران به مدیریت کاهش تدریجی میزان تولید بود. مدیریت که متوجه این واکنش شده بود برای بالا بردن مجدد سطح تولید قول داد که حق افزایش تولید را هر سه ماه یکبار بپردازد، اما بقول خود عمل نکرد. در نتیجه تولید پارچه از ۷۵ هزار متر در سه شیفت به ۵۵ هزار متر کاهش یافت.

در ۱۴ اسفند سال پیش احمد کوهکلی، مدیر کارخانه، هنگام شیفت شب وارد سالن بافندگی شد و نسبت به کاهش تولید اعتراض کرد. با ورود وی کارگران دست از کار کشیدند. وی از یکی از کارگران پرسید: چرا سطح تولید پائین است؟ کارگر با عصبانیت پاسخ داد: شما حقوق ما را اضافه نمی‌کنید، حق افزایش تولید را پرداخت نمی‌کنید، چطور توقع دارید که تولید بالا برود؟ وی ادامه داد: مادر اینجاک خاک می‌خوریم، چای می‌کنیم، آن هم با حقوق کم. چطور می‌توانیم با این گران ارزاق و تورم و بالا بودن اجاره* خانه و مشکلات فراوان زندگی کنیم؟ شما حتی شیری را که روزانه به ما داده می‌شد، قلم کردید. کوهکلی که قافیه را حسابی باخته بود، رندانه سعی کرد که فقط به مسئله* شیر بپردازد و گفت: شیر چون استاندارد نبود، آن را قطع کردیم تا نکند برای شما ناراحتی بوجود آید. همان کارگر فریاد زد: آقای کوهکلی، آیا این خاکی که ما در سالن می‌خوریم استاندارد است؟ و مدیر کارخانه که سخت عصبانی شده بود بنای داد و فریاد و فحاشی را گذاشت. این حرکت مورد اعتراض جمعی کارگران واقع شد، بطوریکه مدیر ناچار از ترک سالن بافندگی گردید. پس از آن گروهی از سرپرستان قسمتهای مختلف کارخانه کوشیدند تا به نحوی سر و صدای کارگران را بخواهاند و کارگر معترض را وادارند تا از کوهکلی عذرخواهی کند،

ولی کارگران از مواضع خود عقب نشستند و گفتند تا هنگامیکه حق افزایش تولید پرداخت نشود تولید به‌الان نخواهد رفت. کارگر یاد شده نیز از عذرخواهی سر باز زد.

چند روز بعد مدیر کارخانه در جمع کارگران حضور یافت و گفت: شما تولید را افزایش دهید، ما هم متقابلاً تمام حق افزایش تولید را ماهانه پرداخت خواهیم کرد، حتی عقب افتاده‌ها را هم می‌پردازیم.

اعتراض و مبارزه* متشکل کارگران "ایران بپولین" در دیگر واحدهای تولیدی رشت و کیلان نیز بازتاب مثبتی داشت.

جشن اول ماه مه

در رشت و قزوین

با وجود مشکلاتی که امسال بر سر راه برگزاری جشن اول ماه مه وجود داشت، مانند مصادف شدن آن با ماه رمضان، جمعه و نیز ترندهای مختلف رژیم برای جلوگیری از برگزاری آن، روز اول ماه مه رشت چهره* دیگری داشت. از صبح زود اگر سری به خیابانها می‌زدی می‌توانستی در چهره* بسیاری از زحمتکشان نشاط و عزم و تصمیم خلیل‌ناپذیر طبقه* کارگر را ببینی. با اینکه ماه رمضان بود، گل فروشها خیلی زود گلهايشان تمام شد. کارگران در کارخانه‌ها جلساتی بر پا کردند، در کارگاههای مختلف شیرینی پخش شد.

در بعضی از کارخانه‌های شهر صنعتی البرز قزوین نیز دو روز زودتر از اول ماه مه، روز جهانی کارگر جشن گرفته شد، از جمله در کارخانه* لوازم خانگی پارس.

کارگران فلزکار مکانیک آگاهی و توان رزمی خود را نشان دادند

کارگر متحد شت است. کارگر متفرق انگشت است.

کارگران "فلزکار مکانیک"، در گردهمایی اول ماه مه امسال، خواهان تدوین قانون کاری شدند که "مدافع حقوق کارگران باشد". در این گردهمایی که در محل تعاونی مصرف کارگران برگزار شد، اعلام گردید که طبقه* کارگر ایران در هر شرایطی روز جهانی کارگر را گرامی داشته و خواهد داشت و هیچ نیرویی نمی‌تواند آن را از برگزاری جشن رزمی خود باز دارد. شرکت کنندگان در جشن اخراجهای بی‌رویه، رشد سرسام آور قیمت‌ها، سنگ اندازی در راه فعالیت شربخش تعاونیهای کارگری، نبود قانون مدافع کارگران و قانون تامین اجتماعی مناسب، وضع دشوار زندگی زنان و کودکان و نیز تحت فشار قرار گرفتن کارگران از جانب وزارت کار و کارفرمایان را محکوم کردند.

در گزارش رسیده به "نامه مردم" آمده است:

با نزدیک شدن غروب، کارگران دسته دسته و با بطور انفرادی به محل جشن نزدیک می‌شدند. از طرف برگزار کنندگان به آنها خوش آمد و تیریک گفته می‌شد. به حاضران گل و شیرینی داده می‌شد و موسیقی گرم و دلنشین در فضا پخش می‌گردید. دیوارها با تابلوهای نقاشی، شعارهای صنفی

کارگران و گلهای کاغذی، تزئین شده بود. محیط‌سسته رفته از آب و جاروبروت خاص و بی‌ربایی به جشن به‌خشیده بود. مادر عین شادی، غمی عمیق بر چهره* کارگران نشسته بود. غمی به اندازه* از دست دادن یک بار وفادار و یک هم‌رزم دبیرین. در گوشه‌ای از دیوار عکسی از چهره* باوقار مهدی گورکانی که در زیر تابش نور چراغهای سالن با غرور به چهره* غمگین همکارانش می‌نگریست جلب توجه می‌کرد و گویا به پلاکاری اشاره می‌کرد که درشت نوشته شده بود: گرامی باد اول ماه مه (۱۱ اردیبهشت) روز جهانی کارگر.

(مهدی یکی از کارگران فعال فلزکار مکانیک بود که هنگام تدارک برگزاری جشن اول ماه دچار برق گرفتگی شد و جان سپرد. وی به دلیل تلاش بیدریغش در راه تحقق حقوق و خواستههای کارگران محبوبیت بسیاری در میان همکارانش داشت و مورد احترام آنها بود.)

دیگر جا برای نشستن نبود. نیمکتها پر شده بود و گروهی از کارگران دور تا دور سالن ایستاده بودند. در موعد مقرر، فرا رسیدن روز بزرگ و تاریخی جشن رزمی کارگران به حاضران و کارگران ایران و جهان شادباش گفته شد. سپس یکی از کارگران تاریخچه‌ای از اول ماه مه را باز گفت و اشاره کرد که مبارزه* کارگران آمریکا اروپائیان را از شرایط دشوار اقتصادی آن زمان و سختی‌های زیادی بود که زحمتکشان، از جمله زنان و کودکان، با آنها دست بگریبان بودند. سپس تاریخ مبارزات طبقه* کارگر ایران و چگونگی برگزاری جشن اول ماه مه در ایران را برشرد و گفت: طبقه* کارگر ایران در هر شرایطی، با اشکال مختلف روز جهانی کارگر را گرامی داشته و در آینده نیز گرامی خواهد داشت و هیچ نیرویی نمی‌تواند کارگران را از این راه باز دارد. سخنگو، در پایان وضعیت اشتغال، اخراجهای بی‌رویه، رشد سرسام آور قیمت‌ها، سنگ اندازی در راه فعالیت شربخش تعاونی‌های کارگری، وضع دشوار زندگی زنان و کودکان، نبود قانون کار مدافع کارگران و قانون تامین اجتماعی مناسب و غیره را مورد بررسی قرار داد و ضمن محکوم کردن آنها و توطئه* اخراج صدها هزار نفر کارگر و نیز کم شدن سهمیه* تعاونی‌های کارگری، دولت و کارفرمایان را از تحت فشار قرار دادن کارگران برحذر داشت. این سخنرانی با تشویق پر شور کارگران پایان یافت. سپس شعار داده شد: "ما خواهان قانون کاری هستیم که مدافع حقوق کارگران باشد". این شعار مورد تایید همگان قرار گرفت.

در این هنگام شعر زیبایی از فرخی بزدی دکلمه شد، آنگاه مسئول تعاون مصرف کارگران فلز کار وضعیت فلاکت بار کار تعاونیهای مصرف و "اتحادیه* اسکان"، عدم حمایت دولت از کارگران، افزایش قیمت‌ها و بیکاری هزار نفر کارگر در سال جاری را محکوم کرد و به طنز گفت: این عیدی کارگران است. وی از کارگران خواست تا برای تحقق خواسته‌هایشان صفوف خود را منسجم‌تر کنند. سپس یکی از کارگران درباره* زندگی چند نفر از کارگران شهید سخن گفت و بیاس احترام آنها یک دقیقه سکوت اعلام کرد. یکی دیگر از کارگران شعری را دکلمه کرد. سپس شعار داده شد: موفقیت و پیشرفت در سایه* تعاون و همبستگی است.

هدفهای ضد کارگری رژیم

"در میهن ما فقر، گزانی، بیکاری، تورم، نداشتن سربهای بعنوان مسکن، عدم وجود کار، نبودن بهداشت و غیره بیداد می‌کند و در همین حال رژیم با حیل‌های گوناگون تحت نام بازخرید، بیمه، بیکاری و فروش سهام کارخانجات به کارگران سعی در فریب دادن کارگران دارد. بعزت نبودن تشکلهای صنفی مثل سندیکا و اتحادیه، بخشی از کارگران زیر فشار دولت با گرفتن مقدار ناچیزی پول که چند ماه هم متخرج خانواده‌شان را کفاف نمی‌دهد فریب خورده و خود را بازخرید کرده‌اند. با اینکار رژیم چند هدف را دنبال می‌کند: ۱- فرستادن کارگران اخراجی بطور غیر مستقیم به جبهه‌ها، ۲- اخراج کارگران با سابقه و خالی کردن کارخانجات از تجربه، مبارزاتی کارگران، ۳- بهنگام لزوم جایگزین کردن کارگران اخراجی با نیروی کار ارزان و جوان".

مذاکره بر سر انتقال ۱۸۰۰ کارگر

در پی کاهش تولید در "بنر خاور" - که به روزی ۴ تا ۵ دستگاه کامیون سنگین رسیده است - و کاهش ساعات کار به روزی پنج ساعت، بر سر انتقال حدود ۱۸۰۰ نفر کارگر به سازمان صنایع دفاع مذاکراتی شده است. این کارخانه بالغ بر بیست هزار نفر پرسنل دارد و تولید آن در اختیار سپاه ارتش قرار می‌گیرد. معاون وزارت صنایع در این کارخانه اعلام کرده است که انتقال حتی است، تا آنجا که امکان دارد داوطلبانه و در غیر اینصورت اختیابی.

یکی دیگر از مسائلی که کارگران "بنر خاور" را به شدت خشمگین ساخته است، ساختن بناها که با ۴ میلیون تومان هزینه است. کارگران معتقدند که رژیم بجای پایان دادن به جنگ، بودجه ای را که نتیجه زحمت و تلاش طبقه کارگر است صرف کارهای بیهوده می‌کند. موج ناراضی در "بنر خاور" به آتش زیر خاکستر می‌ماند.

"اکو" - بازار مشترک

اسلامی و پاکستان به مرکز تعلیم باندهای ضد انقلاب افغانی مرتبط با سازمان جاسوسی آمریکا تبدیل شده‌اند.

پاکستان یکی از بزرگترین صادر کنندگان مواد مخدر به جهان سرمایه‌داری و از جمله ج. ا. است. طبق برآورد کارشناسان پاکستانی، اگر در اوایل سال ۱۹۸۰ بازرگانی جهانی مواد مخدر تولید شده در پاکستان سالانه ۷ تا ۱۰ میلیارد دلار بود، در حال حاضر این رقم به ۱۵ میلیارد دلار بالغ می‌شود. باز به نوشته همین کارشناسان "سیا" - سازمان جاسوسی آمریکا - نقش مهمی در قاچاق مواد مخدر از پاکستان ایفا می‌کند.

آنچه بر سر داریم، ماهیت "اکو" را که بگفته‌اند، خامنه‌ای باید به تشکیل "بازار مشترک اسلامی" منجر گردد، به عیان نشان می‌دهد. تردیدی نیست که وابستگی اقتصادی - سیاسی و نظامی دو عضو مؤثر سازمان "اکو" به واشنگتن، خواه ناخواه این سازمان به اصطلاح همکاریهای اقتصادی را نیز به آلت دست امپریالیسم آمریکایتبدیل خواهد کرد.

می‌گیری؟ به تو نهار می‌دهند؟ بهداشت و حمام داری؟ بیمه هستی؟ روزی هشت ساعت کاری کنی یا بیشتر؟ او سپس حکایت اول ماه مه را برای من تعریف کرد و آثوخت بود که فهمیدم سربازها آنجا چه کار دارند. پس از بیان چند خاطره شیرین و جالب شعری با این مضمون خوانده شد که چرا کارگر که همه چیز را می‌سازد خودش از آن بی بهره است، سپس شعار داده شد: کارگر متحد شد است. کارگر متفرق انکنت است.

آنگاه ثوبت به سخنرانی مسئول "صندوق اعتبار" رسید. وی گفت: چرا ما کارگران باید دستان را جلوی صندوقهای فرص الحسنه حاجی بازاریها دراز کنیم و با گلشتن از هفت خوان رستم و هزار منت و ام بگیریم؟ چرا نباید کارگران بتوانند در همبستگی با یکدیگر مشکلات مالی خودشان را حل کنند؟ صندوق اعتبار ما به بیش از دو بیست نفر وام داده است. آیا این موضوع خود گویای موفقیت در این امر نیست. اگر ما با هم اتحاد بیشتری داشته باشیم می‌توانیم با تلاش جمعی مشکلاتمان را حل کنیم.

"هیلت ورزشی" نیز گزارش کار یکساله خود را داد. جوایز نیمیهای اول تا سوم کارگران فلز کار مکانیک داده شد و نارسائیهای که در امر ورزش در برابر کارگران قرار دارد مورد بررسی قرار گرفت.

جشن رزمی کارگران فلز کار مکانیک با شیرینی و گل و همراه با موسیقی دلنواز پایان یافت و بدینسان کارگران، علیرغم همه فشارها و کار شکنیهای که از جانب رژیم اعمال می‌شود، آگاهی و قدرت رزمی خود را نشان دادند.

در "چدن چکش کار ایران"

در کارخانه "چدن چکش کار ایران" ("مالی بل" سابق) طرح تولید نارنجک از طرف سپاه در حال پیاده شدن است. بویژه کارگران فنی این واحد گاهی با زور در قسمت "طراحی و مدل سازی" و ادار به اضافه کاری می‌شوند. در این واحد اعتراضهای پراکنده‌ای علیه وضع موجود دیده شده است. همچنین کارگران این کارخانه طوماری امضا کرده و خواستار وجوه مربوطه طرح طبقه بندی مشاغل بین سالهای ۶۲ تا ۶۴ شده‌اند. در این زمینه نیز درگیری بین کارگران و مدیریت ادامه دارد.

کک شرکت امریکایی به

"حساب ۱۰۰ امام"

کارخانه "ایران چیکا" در رشت، بدلیل تولید غیر مجاز یک مدل شلوار آمریکائی، از سوی نمایندگان حقوقی تولید کنندگان اصلی، یک شرکت آمریکائی، مورد اعتراض قرار گرفت و کار به دادگاه کشید. دادگاه مربوطه پس از بررسی "ایران چیکا" را مقصر تشخیص داد و آن را به پرداخت مبلغ گزافی غرامت محکوم کرد. نمایندگان شرکت آمریکائی غرامت دریافت شده را با اعلام "عمیقترین احترامها" بعنوان سندی مبنی بر حسن نیت آمریکا به حساب ۱۰۰ خمینی واریز کردند.

مسئول تعاونی مسکن، سخنران بعدی بود. وی مسائل و مشکلات تعاونیهای مسکن را بر شرد و گفت: داشتن یک سر پناه مناسب حق هر انسان است. و در این رابطه افزود که تعاونیهای مسکن امیدی به اقدام دولت نخواهند داشت.

پس از سخنرانی مسئول تعاونی مسکن از حاضران خواسته شد، چنانچه خاطراتی درباره روز اول ماه مه و نیز سخنانی درباره مسائل کارگری در نزد بیان کنند. یکی از کارگران قدیمی ضمن بر شردن مشکلات و ستمهایی که در حق کارگران اعمال شده است، گفت: پیروزیهای مادر گذشتههای دور و نزدیک در سایه همبستگی و اتحاد و تشکل در سندیکاها و اتحادیههای کارگری بوده است. کارگر بدون سندیکا نمی‌تواند حقوق خود را کسب کند.

کارگران و زحمتکشان مبارز

پایان دادن به جنگ ویرانگر و بیهوده، آزادیهای سیاسی و اجتماعی، آزادی زندانیان سیاسی، حق داشتن تشکل واقعی و مستقل کارگری، تدوین قانون کار و قانون تامین اجتماعی مترقی، حق استفاده از دستمزد متناسب با هزینه زندگی، حق اعتصاب و تحمس و اعتراض و تظاهرات، تقویت تعاونیهای مسکن و مصرف کارگری، طرح طبقه بندی مشاغل، بهداشت و درمان و آموزش رایگان، برگشت کارگران اخراجی و باز خرید شده به کار، بیمه بیکاری، برابری حقوق زنان و مردان کارگر، منبع کار کودکان، تاسیس مهد کودک و تسهیلات ویژه ای برای زنان کارگر، برسمیت شناختن و اعلام تعطیل رسمی روز اول ماه مه (۱۱ اردیبهشت) و بالاخره سرنگونی رژیم چهل و نینایت و جنگ جمهوری اسلامی از جمله خواستههایی است که ما کارگران و زحمتکشان در اول ماه مه اعلام می‌داریم و برای تحقق آن مبارزه می‌کنیم.

اوپیم آنچمن همبستگی سندیکاها و شوراهای کارگران و زحمتکشان که به مقیاس وسیعی میان کارگران پخش شده است.

این را من سالهاست که فهمیده‌ام. یک زن کارگر ضمن اشاره به خاطرات خود گفت: من از دوران کودکی به توصیه پدرم در میتینگهای کارگری جشنهای اول ماه مه شرکت کرده‌ام. پدرم می‌گفت روزی بزرگ خواهی شد و خواهی فهمید که این روز چه روز بزرگ و پرامییتی است. امروز من که خود کارگری هستم به اهمیت حرف پدرم بیش از پیش پی برده‌ام. کارگر دیگری گفت: وقتی که پیش از دوازده سال نداشتم، روزی شاهد تجمع هزاران نفر کارگر با لباس کار کثیف و سر و وضع ژولیده در خارج از شهر بودم که یک مشت تفنگچی آنها را محاصره کرده بودند. با تعجب از کارگری پرسیدم که چه خبر است؟ او گفت: مگر نمی‌دانی که امروز روز عید کارگران است. گفتم: عجب! پس این سربازها اینجا چه کاره‌اند؟ او گفت: آنها از طرف سرمایه‌دارها آمده‌اند تا ننگارند این روز را جشن بگیریم. بتنام معنی گپیج شده بودم و در اینحال مرتب از او سؤال می‌کردم و او جواب می‌داد. آنگاه او سؤال کرد و من جواب دادم. او گفت: تو با این سن کم کار می‌کنی؟ گفتم: بله. لیخند تلخی زد و گفت: آیا حقوق کافی می‌گیری؟ لباس کار

ضرورت پیوند مبارزه دانشجویی

با جنبش عمومی

در جریان دگرگونیهای اجتماعی در دهه های اخیر، جنبش دانشجویی، در پیوند با جنبش عمومی خلق در راه خواستهای ملی و دمکراتیک، از وزن قابل توجه و اهمیت ویژه ای برخوردار بوده است. اکثریت دانشجویان، بعنوان یک صنف، ضمن حفظ و طرح خواستهای صنفی خود و مبارزه در راه آنها، هیچگاه پای خویش را از صحنه مبارزات عمومی خلق کنار نکشیده اند و سرنوشت خود را از سرنوشت خلق جدا نساخته اند. از اینرو، یکی از نقاط قوت برجسته جنبش آزادیخواهانه و ضدامپریالیستی دانشجویی نیز در همین پیوند نهفته است.

در شرایط حساس و سرنوشت ساز کنونی که همه گستره های زندگی جامعه در بحرانی ژرف فرو رفته، رویگردانی توده ها از رژیم از یکسو و اختلافات و درگیریهای بین جناحهای گوناگون حاکمیت از سوی دیگر ابعاد بی سابقه ای بخود گرفته و سردمداران و افسران جمهوری اسلامی برای حراست از شالوده های نظام ستمبار حاکم، نظام سرمایه داری وابسته، اساساً جز به دستیازی به زور و سرنگونه نمی اندیشند، جنبش دانشجویی بعنوان بخشی از جنبش عمومی و انقلابی میهن ما با مواضع ویژه خویش، وظایف خطیر و مهمی برعهده دارد که باید عمیقاً آنها را بشناسد و به دور از هر گونه کژ راه با بیراهه روی و تباها سازی توان خود، با هوشمندی و دقت نظر بر وسوسا به آنها عمل نکند.

البته نباید از نظر دور داشت که مجموعه مسائل و وظایفی که در لحظه کنونی در رابطه با جنبش دانشجویی قابل طرح است، در اساسی ترین خطوط و جنبه های عام خود برای دیگر اقشار و طبقات محروم خلق و صنوف اجتماعی و بخصوص دانش آموزان نیز می تواند سرچشمه الهام و مبارزه باشد. ضرورت طرح وضع جنبش دانشجویی، خصلت و نقش و وظایف آن از آنجهت شایان اهمیت است که در سالهای اخیر علیرغم تلاشهای رنگارنگ رژیم برای فرمانروا ساختن آرامش گورستان و روحیه سیاست گریزی بر محیط های آموزشی بمنظور بهره برداری از توان و تخصص علمی و عملی دانشجویان در راه پیشبرد سیاست ارتجاعی خود بویژه در زمینه ادامه جنگ، جوش و خروش و جنبش امیدبخش و پدیده های تازه ای بچشم می خورد که دیگر از حالت چینی خارج شده و اگر با آگاهی همه جانبه و تشکل توأم گردد می تواند دستاوردهای چشمگیر و مثبتی برای جنبش صنفی دانشجویی و به طریق اولی، برای جنبش عمومی خلق ببار آورد. راه یافتن نثریات و ارگانهای مطبوعاتی، تراکتها و شعارهای احزاب و سازمانهای انقلابی و مترقی به دانشگاهها و استقبال دانشجویان از آنها، گرایش بی اعتمادی فزاینده دانشجویان نسبت به رژیم و درک ضرورت فعالیت سازمان یافته، نزدیک شدن و پیوستن آنها به مبارزه نیروهای ملی و دمکراتیک، تشکل بخشی از "دانشجویان مسلمان" پایبند به آماجهای انقلاب بهمین به اشکال گوناگون و انتشار اعلامیه ها و شبنامه های مختلف با محتوای ضدامپریالیستی و ضد سرمایه داری برای افشای رژیم بنمناور سرنوشتی

آن و یا در پله هایی به مراتب پائین تر نشر بیانیه های تشکلهای علمی دانشجویی تحت کنترل رژیم در اعتراض به این یا آن جنبه از سیاست و عملکرد سردمداران مرتجع جمهوری اسلامی، همه و همه پدیده های نظرگیر و قابل تعمقی هستند که بر ضرورت مرور مهمترین وظایف جنبش دانشجویی مهر تأیید می زنند.

در اوضاع و احوال کنونی، مهمترین ویژگی جنبش دانشجویی عبارتست از خواست و ضرورت پیوندیابی همه جانبه این جنبش با جنبش عمومی خلق. آزمونهای این پیوندیابی مقدس و بارآورد گذشته، بویژه تجربه نیک فرجام پیروزی انقلاب بهمین در زمینه تبدیل دانشگاهها به یکی از سنگرهای پیکار پرشور خلق علیه رژیم شاه گواه بر آنست که جنبش دانشجویی تنها از طریق تشدید مبارزه صنفی و سیاسی خود می تواند پیش شرطهای تقویت و توانبخشی و گره خوردگی همه جانبه به جنبش عمومی خلق را فراهم سازد. برای جامه عمل پوشاندن به این آماج، جنبش دانشجویی باید در هر پویش و کوشش روشنگرانه و سازمان گرانه خود، خواستهایش را با مطالبات و مبارزات دیگر اقشار و طبقات خلق درهم آمیزد، به پشتیبانی از خواستهای آنها برخیزد و در این رهگذر پشتیبانی متقابل آنها را نسبت به خود جلب کند. جنبش دانشجویی برای پیشبرد موفقیت آمیز مبارزه در راه خواستهای صنفی و سیاسی خود، هیچ ضامن مطمئن تر از نیروی بیکران و جوشان خلق ندارد.

توجه به این نکته نیز ضرور است که دیوار چینی مبارزه دانشجویان را از مبارزه دیگر اقشار و طبقات خلق و مبارزه صنفی را از مبارزه سیاسی جدا نمی سازد. اکثریت شکننده دانشجویان، بطور طبیعی اکثریت شرکت کنندگان در جنبش دانشجویی را فرزندان اقشار میانه حال و زحمتکش تشکیل میدهند و خواستهای آنها با خواستهای ملی و دمکراتیک خلق پیوند سرشتی دارد. در شرایط حاکمیت رژیم ترور و خفقان که هر خواست و بیانک اعتراض حق طلبانه خلق بسود کلان سرمایه داران و بزرگ زمینداران سرکوب می شود، خواستهای صنفی تا درجه معینی خصلت و جنبه سیاسی پیدا می کند. یعنی نمی توان به سیاست فشار و تقنیش عقاید بیسی فرمانروا بر محیطهای آموزشی عالی، به اعزام دانشجویان به جبهه های جنگ و بحالت تعطیل یا نیمه تعطیل در آمدن کلاسهای درس و به فشارها و اشکال تراشی ها و برخوردهای خشن و غیرانسانی نسبت به دختران دانشجو اعتراض کرد و با خواستار تأمین امکانات زندگی تحصیلی همانند خوابگاه و وام مسکن، غذای ارزان، لوازم تحصیلی و کتابهای ارزان قیمت، وام تحصیلی، بیمه درمانی شد و تصور کرد که آنها ماهیتاً صنفی هستند. هر یک از این خواستها با هزاران رشته از یکسو با سیاست عمومی رژیم برخورد می کند و از سوی دیگر با خواستهای صنفی و سیاسی دیگر اقشار و طبقات خلق جوش می خورد. از این رو بجا و لازم است که جنبش دانشجویی، بسته به شرایط مشخص، با گزینش شعارها و شیوه های درست مبارزه تلاش ورزد به پیکار خود

رفیق محمد غفاریان درگذشت



با کمال تأسف خبر مرگ رفیق محمد حسین غفاریان (حبیبی) را دریافت کردیم.

رفیق غفاریان در سال ۱۳۰۵ در تبریز متولد شد. پدرش کهنه فروش بود و به زحمت می توانست زندگی فقیرانه هوسر و مفت فرزند خود را تأمین کند. او ۱۹ ساله بود که به فرقه دمکرات آذربایجان پیوست و پس از دیدن یک دوره کوتاه تعلیمات نظامی با درجه ستوان یکمی در ارتش ملی آذربایجان بخدمت پرداخت. با هجوم ارتش شاهنشاهی به آذربایجان، محمد دستگیر (۱۱ ماه در بدترین شرایط زندانی شد و بعد از آذربایجان اخراج گشت. بار دیگر در رشت هنگام فعالیت در صفوف حزب توده ایران بچنگ مأمورین افتاد و ۱/۵ سال در سلولهای نمناک زندان رنج برد. سپس دوباره در تهران دستگیر شد و در زندان مسلول گردید. حزب او را به آسایشگاه مسلولین فرستاد. ژاندارها در آسایشگاه او را دستگیر و به سیرجان تبعید کردند. غفاریان بکمک حزب از تبعید از گریخت و از کشور خارج شد. غفاریان در خارج از کشور بکمک احزاب برادر، بعد از معالجات طولانی سلامتی خود را باز یافت و آمادگی خود را برای مبارزه مخفی در ایران اعلام کرد. موافقت با این خواست دشوار بود زیرا تنها یک ریه غفاریان کار می کرد. او به تحصیل پرداخت، مهندس شد و در یک کارخانه ماشین سازی سرگرم کار گردید. او تمام دانش و اثری اش را در کارخانه بکار گرفت. می گفت: حالا که نمی شود به ایران رفت میدان مبارزه اینجاست. چندین طرح نو برای تکمیل ماشینهای کشاورزی ارائه کرد و در تمام فعالیتهای سیاسی - اجتماعی کارخانه سهم چشمگیری داشت. سینه اش پر از مدال بود و همکاری اش این رفیق ایرانی را دوست داشتند. او تا پایان عمر عضو وفادار حزب بود و تا آنجا که می توانست به حزب کمک مالی می کرد.

مرگ رفیق غفاریان را به هوسر و دیگر اعضای خانواده اش و همچنین به همه رفقای حزبی اش صمیمانه تسلیت می گوئیم.

خصلت توده ای بیخشد نادانشجویان هر چه بیشتری و نه تنها دانشجویان، که دیگر کارکنان علمی و خدماتی دانشگاهها و مدارس عالی را که بنوبه خود از انواع محرومیت ها رنج می برند، به عرصه مبارزه صنفی - سیاسی بکشاند.

در حال حاضر، تجمع حدود ۱۸۰ هزار تن دانشجو در دانشگاهها و مدارس عالی کشور یکی از مزیت هایی است که جنبش دانشجویی از آن برخوردار است. اگر از وجود این تجمع بگونه ای بایسته بهره گیری بعمل آید، می تواند ثمرات خوشی

خمینی نوید و خشمگین

"راز مگو" رافاش می سازد

"من خودم را عرض می کنم، من شهادت می دهم که خودم تا کنون دو رکعت نماز برای خدا نخوانده ام، هر چه بوده برای نفس بوده، دلیلش هم این است که اگر چنانچه جنت و ناری نباشد آیاما باز همانطور مشغول می شوم به دعا یا خیر؟ دعای ما، آنی که هست برای این است که خدای تبارک و تعالی به ما عنایت کند و به ما روزی کند بهشت را و محترز کند از جهنم. آنی که غایت آمل ماست همین است و الا برای خدا، آن وقت معلوم می شود که اگر کلید بهشت و جهنم را به ما بدهند و بگویند که شما مختارید و هیچکس از شما به جهنم نمی رود، هیچکس از شما هم از بهشت محروم نیست، آن وقت آیاماهای هم قیام می کردیم به دفع شهادت، قیام می کردیم به خواندن نماز؟ اینها پیش خود ماست، من خودم می دادم که نیست. اینجور نیستیم."

این سخنان حیرت انگیز "رهبر انقلاب اسلامی و بنیان گذار جمهوری اسلامی ایران" در روز سیزدهم خرداد، هنگام دیدار با نمایندگان مجلس شورای اسلامی که با اتفاق خانواده هایشان به چهارم رفته بودند، بسیاری از رشته های روحانیت حاکم را پنبه کرد.

تصادفی نبود که یک روحانی مقاله نویسی در "اطلاعات" وقتی که می خواست پای در این "اقیانوس عرفان" بگذارد و سخنان خمینی را رافع و رجوع کند، از "صاحبان" طلب کرد که اگر دیدند دارد غرق می شود به یاریش بشتابند!

بدون تردید می توان گفت که روی سخن خمینی نه با خود بلکه با روحانیون حاضر و غایب بود که طی سالهای پس از انقلاب در دره های فراوانی راهبری او فراهم کرده اند و با کشمکش های بی پایان بر سر "مسائل دنیوی" و برای کسب جاه و مال و مقام، جمهوری "ولایت فقیه" او را در آستانه "فروپاشی مفتضحانه قرار داده اند. انحلال حزب جمهوری اسلامی در هفته های گذشته و سپس منع ظاهری هر گونه دخالت امامان جمعه و جماعت در انتخابات آینده (به استثنای امام جمعه های ثابت و موقت تهران!) و نفی دخالت "احزاب و جمعیت ها و سازمانها" در انتخابات حوزه های دیگر، خشم و نومیدی خمینی را از فساد که سراپای دستگاه روحانیت را فرا گرفته است، به روشنی آشکار می سازد.

فرصت طلبان و دنیاپرستان که اکثریت را در روحانیون حاکم تشکیل می دهند چنان شورش را در آورده اند که انسان به گفته "رفسنجانی" پاشامت، جسور و قاطعی مانند خمینی دیگر نتوانسته خود را نگاه دارد و آن سخنان هولناک را در باره "مجموعه" روحانیت حاکم بر زبان نیاورد.

مسلمانان کم طمع، نظیر خمینی و منتظری البته در میان روحانیت حاکم وجود دارند ولی این حکم را برای اکثریت روحانیون که از طایفه "ترک دنیا به مردم آموزش خویشتن سیم و غله اندوزند" هستند، نمی توان صادر کرد.

نصایح بی دردی خمینی و منتظری، بویژه در زمانهای اخیر، پیرامون ساده زندگی کردن، "رفتنار اسلامی"، اجتناب از تفرقه اندازی و توهین به یکدیگر و توصیه "وحدت و اخوت" که هیچ تاثیری

ضرورت پیوند * * *

برای جنبش دانشجویی و جنبش عمومی خلق بهار آورد. همچنین از تاثیر گذاری جنبش عمومی بر جنبش دانشجویی و برعکس جنبش دانشجویی بر جنبش عمومی نباید غافل بود. اگر پیشگامان جنبش دانشجویی به موازات فعالیت بخاطر گسترش مبارزات صنفی - سیاسی خود، بدر اندیشه های انقلابی را در بین توده های خلق بیفشانند و در سازماندهی پیکار آنها فعالانه شرکت ورزند، بدون تردید می توانند نقش چشمگیری در شکوفایی جنبش خلق ایفا کنند. در عین حال، باید خاطر نشان ساخت که جنبش دانشجویی، در شرایط ترور پلیسی که نهادهای سرکوبگر رژیم برای فرونشاندن جنبش مطالباتی و انقلابی از هیچگونه تبهکاری و فرودگذار نمی کنند، بدون در آمیختن کار مخفی و علنی نمی تواند مبارزات خود را در عرصه های گوناگون به پیش ببرد. سازمانگران جنبش دانشجویی باید با گام برداشتن در راه اتحاد نیروهای ملی و دمکراتیک، به تلاش برای ایجاد هسته های مخفی صنفی - سیاسی بعنوان یکی از مهمترین وظایف خود بنگرند و از این راه به سهم خود زمینه های واقعی پیوندیابی جنبش دانشجویی با جنبش عمومی مردم در راه سرنگونی رژیم جمهوری اسلامی و برپایی یک حکومت انقلابی و دمکراتیک را فراهم سازند.

هم در جلوگیری از گسترش و ژرفش اختلافات درونی نداشته است، بهترین گواه این مدعاست.

هجوم وسیع فرصت طلبان، مفت خوران و طفیلی ها برای نفوذ در جاهائی که می توان در آنها به زندگی مرفه و نان و آب دار دست یافت مربوط به امروز و دیروز نیست و قدمت تاریخی دارد. اینان همیشه رفتار و گفتار و حتی پوشاک خود را مطابق مد روز عوض کرده اند، بی آنکه ماهیتشان عوض شود. لاقول خود تاریخ اسلام که به گفته "رفسنجانی" در همان دیدار با خمینی، فقه آن ۱۴۰۰ سال به عنوان نظام حاکم مهجور بوده در این زمینه نمونه های گویائی را عرضه می دارد.

بسیارند شهادتی که با شنیدن بوی کباب خمس و سهم امام و نظایر آن، کسوت روحانیت را برمی گزینند و با گذاشتن ریش و به دست گرفتن تسبیح و نسب تراشی، بر سر خوان بیغمی نشینند. و اینک در جمهوری اسلامی با سفاقت و دزدی آنگنان گسترده است که نمی تواند از دید انبوه مگس گرسنه "شیرینی مفت پنهان بماند.

بن بست کنونی که خمینی در پایان عمر با آن روبرو شده، بیانگر یک تراژدی بزرگ انسانی است ولی همانطور که از قدیم می گفته اند، خود کرده را تدبیر نیست. "کفاره" جنایاتی که خمینی چه از روی نادانی و چه عالما عمادا در حق مردم ایران مرتکب شده و می شود همین نومیدی و بدبینی مطلق در روزهای پیری و در ماندگی است.

زمانی بود که خمینی هنوز می توانست کاری به سود مردم زحمتکش بکند. اما او پند خردمندان؛ ای که دستت می رسد کاری بکن

پیش از آن کز تو نباید هیچ کار" را نادیده گرفت و خود را در خدمت سرمایه داران بازار و صاحبان زر گذاشت و اینک برستی چاره ای جز این ندارد که نمیداند شاهد از هم فروپاشی مفتضحانه نظام "ولایت فقیه" باشد.

اعتصاب غذای زندانیان * * *

ممکن پسر می برند. علاوه بر اینها، توپان را - که خود قربانی ستم رژیم اند - مأمور کرده اند که نیروهای انقلابی در بند راتحت آزار و فشار دایمی قرار دهند. این بار، قداره پندان رژیم در زندان "گوهر دشت" یک حادثه "آتش سوزی بی اهمیت را بهانه قرار دادند و با جمع آوری وسائل آشپزی مربوط به زندانیان سیاسی و ضرب و شتم آنان جو خفقان درون زندان را تشدید کردند. زندانیان سیاسی که هر روز شاهد پایمال شدن ابتدائی ترین حقوق انسانی و زیستی و قضائی خود هستند، در برابر عوامل زندان مقاومت کردند و دست به اعتصاب زدند. آنان از جمله خواهان تأمین شرایط بهداشتی، درمانی و غذائی و دور کردن توپان از بندها شده اند.

بنا به گزارشهای رسیده اعتصاب غذای زندانیان سیاسی "گوهر دشت" موجی از همبستگی در داخل و خارج از کشور را برانگیخته است. رژیم ج. ا. که پای بند اصول انسانی و رعایت حقوق اسیران در بند نیست، مذبوحانه تلاش می ورزد تا از سوئی مانع انتشار خبرهای مربوط به مبارزه زندانیان در داخل جامعه شود و از سوی دیگر با اعمال فشار و شکنجه بیشتر، زندانیان سیاسی را وادار به عقب نشینی سازد. این روند کم کم به مراحل بحرانی رسیده و اینک خطر مرگ جان گروه دیگری از مبارزان جنبش انقلابی کشورمان را تهدید می کند.

ما بر آنیم که برای همبستگی با زندانیان سیاسی و نیز مقابله با حکومتی که حقوق و آزادیهای دمکراتیک را بطور کلی زیر پا نهاده است باید کارزار بین المللی و داخلی با شرکت همه "نیروهای مترقی و انقلابی" را گسترش داد. نبرد مشترک زندانیان سیاسی رژیم را هراسان ساخته است و اگر نیروهای مترقی و انقلابی بتوانند از جمله در زمینه مبارزه برای آزادی زندانیان سیاسی با یکدیگر کامهای مشترک بردارند، هراس رژیم افزونتر خواهد شد و بی تردید از فشار خود بر اسیران در بند خواهد کاست. حزب ما پنبه "خود در این راه تلاش می ورزد و از همه" اعضا و هواداران خود در داخل و خارج از کشور می طلبد که همراه با دیگر نیروها پیگیرتر از همیشه در کارزار نجات زندانیان سیاسی شرکت کنند.

همچنین از خانواده های زندانیان سیاسی کشور می طلبیم که برای رها ساختن عزیزان خود به مبارزه متحد و سازمان یافته بپردازند. حزب ما با تمام توان خود از این مبارزه پشتیبانی کرده و خواهد کرد.

وحدت عمل برای نجات

جان زندانیان سیاسی،

وظیفه عاجل نیروهای

دمکراتیک و مترقی است!

بزرگاری کنگره جهانی زنان و ...

کتابها محفوظ است، سوم زن که نمی گذارد رشته زندگی بریده شود.

از بعد از ظهر روز بیست و سوم ژوئن کنگره کار خود را در ۸ کمیسیون و سه کانون بحث آغاز کرد.

اعضای هیئت نمایندگی "تشکیلات دمکراتیک زنان ایران" در کمیسیون های: ۱- زنان برای خلع سلاح و صلح؛ ۲- زن و کار؛ ۳- زن در جامعه؛ ۴- نقش همکاری سازمان های غیر دولتی در تحقق اهداف "استراتژی نگاه به آینده" مصوب کنفرانس نابروبی و بهبود وضع زنان؛ ۵- زنان استقلال و جنبش رهایی بخش؛ ۶- زنان، کودکان و خانواده فعالانه شرکت کردند.

۲۴ ژوئن جلسه همبستگی با مردم خاورمیانه و از جمله فلسطین برگزار شد.

۲۵ ژوئن جلسه بررسی جنگ ایران و عراق به دعوت لیبکای زنان عراق و با شرکت تشکیلات دمکراتیک زنان ایران و نمایندگان سازمان "کارزار بین المللی برای استقرار صلح و دمکراسی در ایران و عراق" برگزار شد.

در بیرون از جلسات نیز فعالیت فرستادگان تشکیلات دمکراتیک زنان ایران بسیار گسترده بود. یک نمایشگاه عکس با موضوع "جنگ و زن و کار" و یک نمایشگاه نقاشی از آثار یک هنرمند بزرگ ایرانی ترتیب داده شد که با استقبال فراوان روبرو گردید. در کنار نمایشگاه، میز کتاب و نشریات تشکیلات دمکراتیک زنان ایران نیز شامل ۵ بروشور رنگی، جزوه ای درباره "تاریخچه تشکیلات با ترجمه انگلیسی آن، آخرین شماره های مجله "بیداری ما" ارگان تشکیلات و تعدادی جزوه به زبانهای آلمانی و فرانسه، سه بوستر علیه جنگ ایران و عراق و برای آزادی زندانیان سیاسی زن بچشم می خورد.

در حاشیه کنگره ملاقاتها و مصاحبه های متعددی میان نمایندگان تشکیلات دمکراتیک زنان ایران با دیگر سازمانها انجام شد.

روز ۲۷ ژوئن کنگره جهانی زنان طی مراسم پرشکوهی در کاخ کنگره ها به کار خود پایان داد.

سین میهمانان به کشورهای خود باز گشتند و تنها اعضای فدراسیون بین المللی و دمکراتیک زنان و از جمله هیئت نمایندگی تشکیلات دمکراتیک زنان ایران برای شرکت در همین کنگره فدراسیون باقی ماندند.

روز ۲۸ ژوئن کنگره فدراسیون کار خود را آغاز کرد. نخست فردا براون پیرامون گسترش و تنوع جنبش زنان در زمینه های صلح، حفظ محیط زیست و خواست حقوق زنان از دیدگاه فمینیستی در سالهای اخیر سخن گفت. او پیشنهاد کرد با جذب این نیروها، که هر یک بخشی از توده های زن رادر خود متشکل می کنند برنامه فعالیت فدراسیون افزوده شود.

سخنراناان تاکید می کردند که باید توجه

موج همبستگی با زندانیان سیاسی

پنجشنبه اول مرداد (۲۲ ژوئیه)، در ارتباط با ورود ولایتی وزیر امور خارجه رژیم جمهوری اسلامی به آلمان غربی نظهارات گسترده ای در برابر وزارت امور خارجه آلمان فدرال با شرکت هواداران گروه های سیاسی کوناگون ایران برگزار شد. بخش عمده نظار کنندگان هواداران حزب توده ایران و سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) بودند.

شرکت کنندگان در این نظارها به سیاست جنگ طلبانه رژیم، اختناق قرون وسطائی حاکم بر کشور، تضییق و آزار و شکنجه علیه زندانیان سیاسی که منجر به اعتصاب غذای کثوئی آنان شده است اعتراض می کردند.

پلیس آلمان فدرال به ضرب و شتم علیه ایرانیان دست زد و ۱۴۰ نفر را نیز بازداشت کرد. بازداشت شدگان پس از ساعت ۱۹ آزاد شدند. روز جمعه مجدداً نظارها گسترده ای در دفاع از خواستهای زندانیان سیاسی در برابرسفارت ج.ا. درین انجام گرفت.

در عین حال یک اعتصاب غذای پنج روزه توسط رفقای سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) سازمان داده شده که با پشتیبانی همه جانبه اعضای و هواداران حزب مارو برور گردیده است.

در وین نیز توده ای ها همدوش با رفقای اکثریتی اعتصاب غذای مدت داری را بمنظور دفاع از خواستهای برحق زندانیانی که در حال اعتصاب غذا بسر می برند برگزار کردند.

در استکهلم و برلین غربی و پاریس و دیگر شهرهای اروپای غربی مرکز تجمع ایرانیان مهاجر، موج همبستگی با زندانیان اعتصابی در حال گسترش است و پیوسته گروه های گسترده تری پای در میدان پیکار علیه رژیم جنگ و جهل و جنایت می گذارند.

بیشتری به کار میان دختران جوان میزول شود. شرکت دادن دختران جوان در اینگونه گردهماییها یکی از راههای مفید است.

سپس میریام ویره تومینن گزارش فعالیت فدراسیون را در فاصله میان دو کنگره خواند و اسامی اعضای جدید را اعلام کرد. سازمان زنان عربستان سعودی از جمله اعضای جدید فدراسیون است.

پائو آرونا آصف نماینده هندوستان پیشنهاد کرد کنفرانسی از زنان کشورهای آسیائی تشکیل شود. نماینده زنان آنگولا پیشنهاد برقراری سمینارهایی را برای حمایت از مردم آفریقا و محکوم کردن جنگ اعلام شده آفریقای جنوبی علیه مردم آنگولا، موزامبیک و دخالت نیروهای امپریالیستی در نامیبیا را مطرح کرد.

در واپسین ساعات روز ۲۹ ژوئن انتخابات فدراسیون انجام شد. فردا براون از نو بعنوان رئیس و میریام ویره تومینن بعنوان دبیر کل فدراسیون بین المللی دمکراتیک زنان برگزیده شدند.

مبارزه نیروهای مترقی در راه ...

در منطقه آسیا و اقیانوس آرام تلاشهای گوناگونی نیز به منظور برانگیختن بی اعتمادی و دشمنی میان خلقها انجام می گیرد که استقلال ملی و حق حاکمیت کشورها را تهدید می کند و پارتا بی بسیار منفی بر وضع زحمتکشان و وضع عمومی مناسبات بین المللی از خود بجای می گذارد.

سپس در اطلاعیه مشترک تاکید می شود که خلقهای منطقه آسیا و اقیانوس آرام لزوم غلبه بر وضع خطرناک موجود در منطقه را، تا هنگامیکه هنوز دیر نشده، عمیقاً درک می کنند و نیاز به مبارزه به خاطر دگرگونسازی در جهت بهبود وضع را در نظر می گیرند. در این رابطه شرکت کنندگان در دیدار یادآور شدند که در این منطقه از جهان امکانات فراوانی برای تشدید اقدامات مشترک همه نیروهای با حسن نیت در مبارزه برای جهان پری از جنگ افزارهای هسته ای وجود دارد.

نمایندگان احزابی که در این دیدار مشورتی شرکت کرده بودند، ابتکارات و اقدامات کشورهای سوسیالیستی و دیگر کشورهای منطقه آسیا و اقیانوس آرام و جنبش وسیع و فعال ضد جنگ و ضد جنگ افزارهای هسته ای را بمثابه سهم بزرگی در مبارزه برای امنیت جهانی مورد پشتیبانی کامل قرار دادند. آنان بسود ایجاد مناطق غیر هسته ای و مناطق صلح در نقاط مختلف جهان اظهار نظر کردند.

سپس در اعلامیه تاکید می شود شرکت کنندگان در دیدار مشورتی برآنند که بهبود قاطعانه چو سیاسی منطقه در گرو شرکت فعال همه دولتها و توده های وسیع خلق است. در این اعلامیه روی اهمیت حیاتی تحکیم همکاری احزاب کمونیست و کارگری با دیگر نیروهای صلح دوست تاکید فراوان شده است.

در پایان اعلامیه مشترک گفته می شود که شرکت کنندگان توافق کرده اند در آینده نیز چنین دیدارهایی انجام دهند و بدینوسیله تبادل نظرهای دو جانبه و چند جانبه درباره مسائل صلح، امنیت و حسن همجواری و دیگر مسائل مورد علاقه را فعالتر و گسترده تر سازند.

مباحثات سه روزه همه را به این نتیجه کلی رساند که مبارزه برای صلح در منطقه آسیا و اقیانوس آرام وارد مرحله تازه ای می شود و کمونیست ها رسالت دارند نقش شایسته ای را در متحد کردن همه نیروهای مترقی ایفا نمایند. این دیدار آشکارا نشان داد که مبارزه برای صلح خواهان کنار گذاشتن برخی تمایزات و اختلافات است. هدف بزرگ دستیابی به امنیت و حسن همجواری در منطقه، یگانگی و بهم فشردگی صفوف را می طلبد.

آدرس پستی: NAMEH MARDOM P.B. 49034 10028 Stockholm 49 Sweden NO: 165 28 July 1987

جبهه متحد خلق ضامن پیروزی انقلاب است